

The Role of Quranic Literature in the Improvement of Couples' Relationships

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Authors

Narjes Nasrollahi¹,
Maryam Haji Abdul Baqi^{2*},
Hamid Reza Mostafid³,
Saeed Beheshti⁴

How to cite this article

Narjes Nasrollahi, Maryam Haji Abdul Baqi, Hamid Reza Mostafid, Saeed Beheshti, The Role of Quranic Literature in the Improvement of Couples' Relationships. *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2019;3(3):107-114.

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study was the role of Quranic literature in improving spouses' relationships.

Materials and Methods: This research was conducted by the method of library studies, which was obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative and scientific texts.

Findings: In order to maintain the safety of the family, the Holy Quran has set mutual duties and rights for the couple to protect the family from the psychological damage caused by the wrong relations between the spouses. The necessity of chastity and mutual loyalty, protection of their privacy, companionship with the famous, qunoot and obedience to the spouse, mutual observance of each other's rights and non-abandonment are among the most important orders of the Holy Quran to spouses.

Conclusion: Based on the results of the research, the literature of the Quran, by using the best words to employ the best words and combinations, established a healthy and humane relationship between spouses and proposes the solution of marriage to get rid of the lust of sexual instinct, so that men and women relax together and cover each others' faults.

1. PhD student, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran Iran

Keywords: Literature Of Quran, Relationship, Couples

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: maryamhajiabdbaghi@yahoo.com

Article History

Received: 2019/07/24

Accepted: 2019/09/16

ePublished: 2019/09/22

نقش ادبیات قرآن در اصلاح روابط همسران

نرجس نصراللهی
دانشجوی دکتری،
ایران

ایران

مریم حاجی عبدالباقي

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

حميد رضا مستفید

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سعید بهشتی

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران

حکیمہ

هدف: هدف از پژوهش حاضر نقش ادبیات قرآن در اصلاح روابط همسران بود.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه ای انجام شد که با مراجعه به متون قرآنی و روایی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قرآن کریم جهت حفظ اینمی خانواده، برای زن و شوهر،
وظایف و حقوق متقابل قرار داده است تا خانواده را از آسیب
های روانی ناشی روابط نادرست همسران، حفظ نماید. ضرورت
پاکدامنی و فادراری متقابل، حفظ حریم خصوصی آنان، معاشرت
به معروف، فتوت و فرمانبرداری از همسر، رعایت متقابل حقوق
یکدیگر و ترک نشوز از مهمترین سفارش‌های قرآن کریم به
همسران است.

نتیجهٔ گیری: بر اساس نتایج پژوهش، ادبیات قرآن با به کار گیری بهترین کلمات استخدام پیشترین واژه‌ها و ترکیبات‌ها روابطی سالم و انسانی بین همسران برقرار نمود و برای رهایی از شهوت غریزه جنسی راه حل ازدواج را پیشنهاد می‌کند، تا زن و مرد در کتاب یکدیگر به آرامش برسند و عیوب یکدیگر را بپوشانند.

واژه های کلیدی: ادبیات قرآن، اصلاح، روابط، همسران

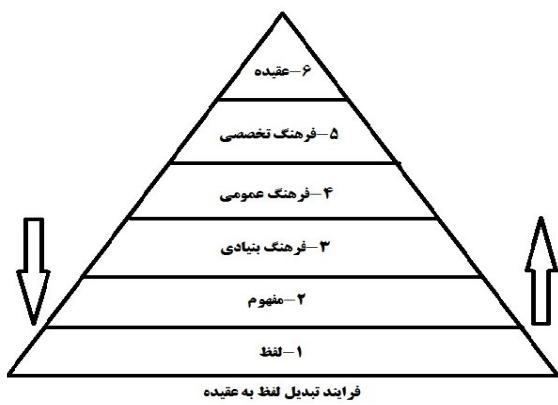
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

١٣٩٨/٠٦/٢٥ : تاریخ پذیرش

*نامه سند مسئله: maryamhajiabdbaghi@yahoo.com

به همان شدت قانون تاثیر داشت و تخطی از آن ها غیر ممکن بود. آداب و رسوم و سنت قبیله پایه فرهنگ اجتماعی بود. گذشته زمان باعث قداست آن ها می شد. رئیس قبیله برای برقراری آرامش در قبیله از نفوذ خود استفاده می کرد. ابو عقیل لبید از شعرای م العلاقات سبع می گوید:

(۳) «من معاشر سنت لهم آباءِهم و لکل قوم سنّه و امامَهَا»



نقش ادبیات قرآن در اصلاح نظام خانواده

۱- ازدواج از دید قرآن

ایی از حیا و شرم مودبانه و با استعاره سخن می گوید. به عنوان مثال، واژه هایی که در عرب قبل از اسلام جهت آمیزش مرد و زن به کار می رفت؛ واژه‌های «المقات»؛ به معنای آمیزش است که در عرب جاهلی به کارمی گرفت. امر و القیس شاعر جاهلی می گوید: «کبکر المقاتانه البیتض بصفره غذانها نمیرالما، غیر المحلل» (۳) واژه «تلقی»؛ به معنای آمیزش و آبستن شدن است که در جاهلیت به کار می گرفت. در بیت زهیر بن ابی سلمی می خوانیم: «فتعر کلم عرق الرحی بشقاله وتلقح کشافاشم تنبع فشم» (۴) اما با نزول قرآن واژه «لقاح» به جای واژه‌های «المقات» به کار رفته و این واژه حذف شده است. قرآن در حوزه التذاذ لمسی درخصوص نزدیکی مرد و زن واژه «غشی» در برگرفتن «به کار می برد نوع ارتباط مرد و زن را می رساند ولی به کلمه تخصصی زناشویی در فرهنگ عرب که اصطلاح مقارت است ورود پیدا نمی کند و به صورت کتابی، ادب و متنات گفتاری را رعایت می کند. جمله «فلماً تعثّها» (۵) صاحب اطیب البيان نیز می گوید «لماً تعثّها کایه از موقع و جماع و هم بستر شدن است». (۶) غریزه جنسی به عنوان یکی از غرایز طبیعی است که ارضای به موقع، کامل و مناسب آن نقش مهمی در رشد و کمال انسان دارد. از نگاه اسلام نیاز جنسی صرفاً نیاز فیزیولوژی نیست؛ بلکه شامل نیاز ریستی، نیاز عاطفی، اخلاقی، اقتصادی و عبادی... است. اسلام، برای پایینیدی به رفتار جنسی مناسب مقام شریف انسانی قوانینی را معین کرده تا زمینه ساز رشد کمال فرد و اجتماعی شود.

انتقال، فهنگ د، فاگ، ز، زما:ها مئش و محمد گنههاء، زان،
ن: تا حد زاده، به محمد فهنگها هاسته است: زمانی که
ادیبات متعالی باشد باعث ارتقاء فرهنگ می گردد. جهت شناسایی
روش ادبیات قرآن در فرهنگ سازی روابط همسران لازم است
با واژه، مفاهیم پایه، نظام اصطلاحات قرآن آشنا شویم. واژه
کوچکترین شکل معنا دار از حد ف است که تنادی به تناده
کا، ود. کلمه ما حرف شاما اسم، صفت، عدد، کنایه، فعل، قید،
حرف اضافه، حرف ربط، صوت و ... است. باید از نظر معنائی توان
برخورداری قابل و موثری داشته باشد، تا شدنده بعد از شنید: آن
واژه به درک لازم دست یابد. از واژه مفهوم بدست می آید. از
مجموع مفاهیم در یک موضوع، مفاهیم پایه به دست می آید.
مفاهیم پایه، مفاهیمی هستند که ارتباط و نظم منطقی با یکدیگر
دارند. وجود مفاهیم پایه و ارتباط منطقی آنان با یکدیگر، نظام
اصطلاحات را پدید می آورد. اصطلاح نام مجموعه ای از واژگان
کترول شده و منظم است. زیر مجموعه ای از زبان اصلی است
مشتمل بر اصطلاحات خاص اگر به مجموعه واژه های که با
مفهوم شناسی ارتباط آن را با معنای مورد نظر باز شناسی شده
جایگاه آن کلید واژه در ادبیات مورد نظر تعیین گردد. اسلام
بعنوان یک مکتب جهانی نیز مفاهیم پایه خاص و نظام
اصطلاحات خود در نظام خانواده دارد از طریق وحی از طرف
خداآوند علیم و حکیم نازل شده است. با مطالعه در کتب جامعه
شناسی، متوجه شدیم فرهنگ دارای لایه های گوناگونی است (۶):
مهمنترین آن عبارتند از:

۱- فرهنگ بنیادی: این فرهنگ در جامعه، زیر بناهای فرهنگ را می سازد و فرهنگهای دیگر بر اساس آن شکل می گیرد.

۲- فرهنگ عمومی: به معنای فرهنگی است که احاد جامعه و تک تک افراد جامعه آن را پذیرفته‌اند.

-فرهنگ تخصصی: عبارت است فرهنگ کروه تخصصی از اشار جامعه که فرهنگ خاصی را فرهنگ سازی می نمایند. معمولاً فرهنگ تخصصی افرادی آن را شکل می دهد که دارای سطح تحصیلات و سواد بالاتری می باشند برای توده مردم خط مشی تعیین می نمایند. در اینجا برای فهم بهتر لایه های فرهنگی مثالهایی ذکر می شود؛ اعراب جاهلی از قانون مدنی محروم بودند. اما از سنن و آداب و رسومی تعیین می کردند که

پوشاندن در دل است و تنها درمورد اسرار نهفته درنفس به کار می رود.

ب-خواستگاری پدر دختر از مرد: «قالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ اُنْكِحَكَ إِحدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ»^(٤) پیشنهاد ازدواج از سوی زن و خانواده او بیشتر تابع آداب و رسوم است. از این رو در بعضی از کشورها مانند هندوستان در بعضی از مناطق آن مرسوم است که خانواده دختر به خانواده پسر پیشنهاد ازدواج می‌کند یعنی خواستگاری بیشتر از ناحیه خانواده دختر انجام می‌گیرد یا حداقل از طرف خانواده دختر پیشنهاد می‌شود که ما آمادگی داریم که دخت ما: ۱- اهداهای سپاه شما داده بنا داده باشند. ۲- معاشر. ۳- مغف کشند. ۴- است داد، شما غیر داد. آفقارا مسلمان که در صد بیشتری از جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند. زن به دلیل خصوصیات ذاتی خود تمایلی برای پیش قدم شدن و خواستگاری کردن را در شان خود نمی‌داند با این حال در اسلام شواهدی مبنی بر خواستگاری زن یا خانواده او از مرد وجود دارد، ابراز تمایل خدیجه برای ازدواج با محمد (ص)^(٩) یا پیشنهاد شعیب به حضرت موسی برای ازدواج با یکی از دخترانش نمونه ای از این ازدواج هاست که هیچ یک از این موارد با منع شرعی رو برونشد. بنابر اصل ابا حمزة این امر جائز است.

۳- ضرورت پاکدامنی و عدم خیانت به همسر وفاداری یکی از صفات همسران است. واژه وفا در معنای لغت «از ریشه وفی» و به معنای چیزی را به کمال رساندن است. حفظ و نگهداری پی در پی از چیزی را نیز عهد می‌گویند. بنابراین، وفای به عهد به این معناست که عهد بدون کم و کاست و مطابق و عده انجام شود.(۱۰) در اسلام بر وفاداری زوجین بر التزام و پایداری به پیمان زناشویی و رعایت وظایف عاطفی و جنسی تأکید شده است؛ یعنی زوجین باید نسبت به پیمان زناشویی وفادار باشند. از آنجاکه کلمه وفا بر اتمام و اكمال دلالت دارد، مقصود از وفاداری، اجرای کامل تعهد و تحقق کامل و تام هر عهد و پیمان است.(۱۱) زن و شوهر تکیفی دوچار نسبت به یکدیگر دارند، که زن نسبت به شوهر و شوهر نسبت به زن به جای می‌آورند مبنای جنسیتی ندارد چون هر دو جنس به پاکدامنی و عدم خیانت به همسر مکلف شده‌اند. خیانت‌های عاطفی هر یک از، زوجین مسائل و مشکلات عاطفی فرد یا خانواده را با غربیه ای یعنی شخصی به غیر همسرش در میان می‌گذارد. جنبه فرعی این خیانت هم این است؛ ارتباط تلفنی، اینترنتی و ارتباط در محیط‌های کاری خیانت‌های جنسی زوجین برقرار کردن روابط جنسی همسر با جنس مخالف غیر از همسر خودش. جنبه فرعی این خیانت ارتباط جنسی با هم‌جنسان، ننان، خانایان، امتلاطهاء، حسن، مختلف ما دیگر است. همانطور که مدد همسر خود، اعفف و مادرانه می‌باشد، مادرانه می‌خواهد، زن مادر عقده، هدایت، گل، باشد، مادر مهاذ، فتاه، کدا، هدایت، خدمت‌نشده از همه‌ها، نهاد، هدایت، نکند.^{۱۲}

از حشمت‌ها، عایت حجاب مقدماتی برای حفظ پاکدامنی زن و شوهر می‌باشد. در *الذین هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ** الاعلَى آرزوگهمْ او ما ملکتْ آئینه‌نهمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلْوَمِينْ^(۱۳) فمن ابتعَى ورَاءَ ذلِكَ فَأَوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونْ^(۱۴) وازره فروج؛ جمع فرج است به معنای عورت مرد و زن است که مردم از بردن نام آنها شرم می‌کنند. حفظ فرج کایه از اجتناب از موافعه نامشروع است. جمله «فمن ابتعَى ورَاءَ ذلِكَ فَأَوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونْ» علامه ذیل آیه می‌فرماید: «این ایه تفریع است بر مطالب قبل یعنی مستثنی و مستثنی منه و قصی مقضای ایمان این شد که به کلی فروج خود را حفظ کنند مگر تنها از دوطایه از زنان، پس هر کس با غیر این دو طایله مساس و ارتباط پیدا کند، متتجاوز از حدودی که خدای تعالی برای مومتنین قرار داده است، شناخته می‌شود.» در آیه معارج تکرار آیه ۷ مومتنون است که به سبب اهمیت موضوع تکار شده است.^{۱۵}

از جاهای مختلف برای فروش می‌آوردن. هر کس یکی از آنها را می‌خرید، بی‌آنکه مهری بپردازد، همسرش می‌شد. ثروتمندان عرب به منظور تکثیر ثروت خود کنیزانی زیبا تهیه کرده، یا زنان بی‌بند و بار با انعقاد قراردادی جمع نموده و آنها را به نزد استادی فن، رموز ادب و موسیقی و عشوه‌گری می‌آموختند! سپس هر یک را در منزلی مهیا جا داده و بر بام آن، پرچمی خاص که حکایت از ازادی و رود برای همگان داشت نصب می‌کردند، این زنان «قینات» خوانده می‌شدند و از سویی دیگر به پرچمداران یا «ذوات الروایات» نیز معروف بودند.^(۷) آیه به مردانی که زمینه ازدواج با زن آزاد ندارند و ممکن است به گناه بیفتند توصیه می‌نماید که با کنیزان پاکدامن و مومن ازدواج کنند. آن تصریفاً خیر لکم^(۸) اما اگر صبر نموده واز ازدواج با کنیزان خودداری نماید، برای آنان بهتر است. چون کنیزان دارای فقر فرهنگی بوده و همواره در موقعیت پایین اجتماع به سر برده اند؛ با تربیت دینی نشده اند و یا صاحبانشان با آنان رفقار درست ننموده، و بر اساس فرهنگ جاهلیت افراد ثروتمند کنیزان خود را وادار به زنا و امور ناشایست می‌نمودند؛ ایه از مومنان می‌خواهد پاکدامنی و ایمان کنیزان را مدنظر قرار دهند. آیه به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می‌کند که دین و اخلاق همسر خود را منظور بدارند. ازدواج نه تنها در دنیا بلکه در پشت که تکلیف وجود ندارد به عنوان ارزش محسوب می‌شود. در سوره نساء می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُّدُّهُمْ حَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَعْنِيَةِ الْأَنَهَارِ حَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا لَهُمْ فِيهَا أَرْوَاحٌ مُطْهَرَةٌ...»^(۹) آیه دو نکه فرهنگ سازی می‌کند؛ اول، در پشت پاک بودن، مطهر بودن و تطهیر ناموس ارزش محسوب می‌گردد و پاکی در فطرت انسان وجود دارد و رغبت انسان به پشت زیاد می‌کند و باعث می‌گردد مردم بر پاک بودن و مطهر بودن خود و همسران خود مراقبت کنند. یکی از نعمات پشتی که خداوند در قرآن وعده داده حوریان درشت چشم پیشی است که به همسری مومنین درمی‌آیند حوری جمع احور و احوری است. و در سوره ص می‌فرماید: «وَعَنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ اتْرَابُ»^(۱۰) جمله «قاصراتُ الطَّرْفِ»؛ اولاً: گوش چشم تنگ؛ باعث زیبایی چشم فرد می‌شود؛ و نکه دوم بحث هم کفی همسران است و در ازدواج باید هم کفی و هم شانی در همسران رعایت گردد. اصل معنای تعییر به «قاصراتُ الطَّرْفِ» به معنی زنانی است که نگاهی کوتاه دارند و به جز همسرانشان به دیگران توجهی ندارند. و در تفسیر آیه احتمالات متعددی داده شده که در عین حال قابل جمع است. و هم کفی همسران توجه دارند. نخست اینکه: آنها تنها به همسران خود نگاه می‌کنند، چشم خود را از همه چیز ج نگاه به همسرانشان می‌پوشانند. دیگر اینکه: این تعییر کنایه از این است که آنها فقط به همسرانشان عشق می‌ورزند، و جز مهر همسرانشان مهر دیگری را در دل ندارند که این خود یکی از بزرگترین امتیازات یک همسر است که جز به همسرش نیند و شد و جز به او عشق نورزد.^(۱۱)

۲-خواستگاری و احکام آن در قرآن
الف- خواستگاری از زین بیوه: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ
خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي اقْتِسَمْكُمْ»(۴) واژه «عَرَضْتُمْ» علامه می
فرمایند: «کلمه، تعریض و ججه کلام به سویی است که شنونده مقصد گوینده را بفهمد، فرق تعریض و کنایه این است که معنای غیر
ظاهر عبارت ، درنظر است ولی در کتابه معنای مقصد مورد نظر است، همچنین می فرمایند درایه شریف هم استعاره به کار
رفته که تصمیم جدی را محکم کردن گره نامیده و هم کنایه به
کار رفته که مساله ازدواج را نوعی گره خوانده است «
واژه خطبہ: علامه می فرمایند: «به معنای تکلم و بر گشتن در
کلام است معناش این است که در امر تزویج با او
گفتگو کرد. خطوط و خطوطه در لغت عربی به معنای نامزد ازدواج
است.»(۵) اذ اَنْکَنَ: «به معنای، بنفعت کرد و بوشانید است،

تکالیف خود مقایسه گردند «لِرْ حَالٌ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةً»^(۴): چون تکلیف مرد در زندگی زناشویی سنجین تر است و مخارج را بر عهده می‌گیرد و تقاضای ازدواج از سوی مرداست.

۶- قنوت و فرمان برداری

خداؤند در سوره احزاب زنان و مردان با ایمان را توصیف می کنند. قوت داشته باشند؛ می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمَاتِ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتَاتِ...» (۴) واژه ها در آیه برای زنان و مردان یکسان بکاررفته است و از «الْقَانِتَاتِ» لفاظ ناتائق است. علامه قوت به معنای ملازمت در اطاعت و خضوع است، و در نتیجه معنای دو کلمه مورد بحث مردان و زنانی است که ملازم اطاعت خدا، همه‌اه داده، داده خاص‌بندید. (۷) اغف. م. گمد: قدمت از ماده، «قنه» د. لغت به معنایه دست آه، د: حن، د خوش، خ ما آمده د، اصطلاح آزاد بعد طاعت دستش همراه با خضوعه فوتد است. (۱۰) آاه، قدمت ما تعاب مختلف ۱۳ می، د، ق آ، که مذکور شده که در تمام موارد معنای خضوع، طاعت و فرمانبرداری منظور است. واژه و الصادقین و الصادقات: علامه می فرماید: «كلمه صدق به معنای هر فعل و قولی است که مطابق با واقع باشد، و مرد و زن با ایمان هم در ادعای دین‌داری صادقند، و هم در گفخار است می‌گویند، و هم خلف و عده نمی‌کنند. واژه و الصابرین و الصابرات: علامه می فرماید: «اینان کسانی هستند که هم در هنگام محصصیت و بلا، صبر می‌کنند، و هم در هنگام اطاعت، و هم آنجا که گناهی پیش آمده، در ترک آن صابرند. واژه و الخاشعن و الخاشعات: علامه می فرماید: «كلمه خشوع به معنای خواری و تذلل باطنی و قلبی است، هم چنان که کلمه (خضوع) به معنای تذلل ظاهری، و با اعضای بدن است. واژه و المتصدقین و المتصدقات: علامه می فرماید: «كلمه صدقه به معنای خروج کردن مقال است در راه خدا، که یکی از مصدقیق آن زکات واجب است. واژه و الصائمهات و الصائمات: علامه می فرماید: «مراد از صبور روزه‌های واجب و مستحب هر دو است، واژه و الحافظین فرووجهم و الحافظات: علامه می فرماید: «يعنى کسانی که فروج خود را حفظ می‌کنند، و آن را در غیر آنچه خدا حلال کرده به کار نمی‌بندند.»

۷- حقوق و وظایف متقابل همسران

۴- حد به خصوصیه شده، مسئله سما، حساس است و تعجب
حد و مذہب آن هم بالته از حساسیت و بذهاد دخوه دار
نمی‌باشد. به طور کلی قابل است که در هایات متعدد کلیت این
بحث اینه دستیابی را داده‌اند ولی تعجب مصادفه نماید و بهاء
آن نیاز مند دقت‌های مالار است که اهمیت مسئله اینه ده حندان
نمی‌کند. در سهه میانه، که نهاده احناه گفت: هنگام ورود پیچه‌ها
به حریم شخصی پدر و مادر تاکید شده است. «امُنوا لِسْتَأْنِتُمُ
الَّذِينَ مَلَكُتُمْ أَيْمَانَكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَلْعُلُوا الْحُلْمَ مُنْكِمْ تَلَاثَ مَرَاتٍ مِّنْ
قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُّهُ شَانِكْهُ مَظْفَهُهُ مَنْ بَعْدَ صَلَاةِ
الْعَشَاءِ ثَلَاثَ عَذَّبَّاتٍ» (۴) در فضاء زناشیده نهاده حد به
خصوصیه وحدت دارد، اهل حد به است که نهاده شده نیست به
دنگان، دارند افاده دیگر حقه دهد؛ احناه به این حد به
ندا، ند؛ ده می: حد به؛ هم حد به است که هر یک از نهاده شده
نیست به هم‌دیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید از هم
اجازه بگیرند. ممنوعیت ورود غیر در محدوده زمانی و مکانی
یکی از عوامل موثر در تحکیم خانواده است از طریق برآوردن نیاز
عاطفی و جنسی همسران در حریم خصوصی آنان است. توفیق در
این امور نیازمند برخی مهارت‌های است. در توصیه های اسلامی امده
مردان و زنان مراقب اعمال و رفتار خود باشند؛ دیگران را به
محدوده خصوصی همسران خانواده کانون عطوفت و محبت است
راه ندهند. این محدودیت در حریم همسران؛ باعث تحکیم روابط
عاطفی آنان می‌گردد. در ادبیات قرآن زن و شوهر ساتر عیوب
یکدیگر می‌باشد و هر دو تکمیل کننده یکدیگر و مدد کار هم در
رسیدن به قرب الهی و انسان کامل شدن هستند. «هُنَّ لِيَسُ لَكُمْ وَ
أَتَتُمْ لِيَسُ لَهُنَّ» (۴) لیاس ساتر عورت است، زن و شوهر حافظ
شون یکدیگر و اسباب زینت هم هستند چنانچه لیاس حافظ بدن
و باعث زینت انسان است. علامه می فرمایند: «در این آیه معنای
لیاس همان معنای معروف است؛ یعنی آن چیزی که انسان به
و سیله آن خودش را از غیر می‌پوشاند هر یک از دو زوج یکدیگر
را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه آن در بین افراد نوع مانع
می‌شوند، هر کدام برای همسران همچون لیاس است که راشتی
هاش را می‌پوشاند و این است که خداوند فرموده هر کدام از دو
زوج برای هم همچون لیاس است.»^{۱۱}

٥-معاشرت معروف

حقوق و تکالیف در خانواده جنبه فردی ندارد بلکه در سایه خدمت متقابل طرفین، قابلیت ظهور پیدا می کند و با وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون از روابط، موازنی در اجتماع خانواده پدید می آید که نه تنها در جهت حفظ منافع فردی و اجتماعی است بلکه هدفی مقدس چون تشکیل و استحکام نظام خانوادگی را هم تعقیب می کند. این توازن در سایه تعیین موافزانه است.^(۱) و بوجود می آید و عمل به معروف، رمز ثبتیت این موافزانه است.^(۲) و لهن مثل الذى عليهن بالمعروف^(۳) رنان هم مطابق وظیفشان سزاوار^(۴) حقوق شایسته می باشد. «إنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنْ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^(۵) وازه «معروف» علامه می فرماید: هر عملی که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و معروف متضمن هدایت عقل و شرع است و هم فضیلت اخلاقی و هم سنت های ادبی و انسانی چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنادرکرد معروف از نظر اسلام چیزی است که مردم آن را معروف بدانند مردمی که از راه فطرت منحرف نشده اند. اسلام برای زن هم شون در نظر گرفته و هم تاثیری که در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد مد نظر قرار می دهد. ^(۶) وازه «بِالْمَعْرُوفِ» و «سرحوهن»^(۷) زیاد در قرآن به کاررفته است.^(۸) معروف یعنی مطلوب، آرامش بخش به صورت خوب بودن در نگاه عرف نیاشد و نیک به او نگاه کند و تحقیر نشود. وازه «له» حقوق و امتیازات و وازه «علیه» وظایف و مسئولیت هاست. حقوق و تکالیف زن و مرد نباید باهم مقایسه شوند بلکه هریک از زن و شوهر با حقوق و

ممنوعیت مقاومت همسران در شرایط خاص
برقراری رابطه جنسی از دیدگاه اسلام تنها از طریق ازدحام ممکن است. اما اسلام تکالّف دارد. زیرا هشتم قائل است که در آن شرایط برقراری رابطه جنسی را حرام می‌داند.

-۲- ممنوعیت نزدیکی با زن حاضر
اسلام رابطه جنسی در حال حیض را حرام می داند و آن را آزار و اذیتی برای زنان می شمارد.^۱ و سئالونگ عن المحيض قل هُوَ أَذْنِي فاغتنلوا النساء في المحيض و لا تقربوهن حتى يطهرين^۲ علامه می فرمایید «وازه الْمَحِيْضِ»: مانند مصدر «حیض» جربان خون معروفی که صفات مخصوصی دارد و زنان حاضر آن صفات را می شناسند. واژه «آذی» به معنای عارضه ای باشد برای چیزی که ملايم با طبع آن ناشی است.^۳

۳- منویعت رایطه جنسی در زمان روزه داری
 «اَحِلٌ لَكُمْ لِيَلَةً الصِّيَامِ الرَّفِثَ إِلَى نِسَائِكُمْ»^(۴) وَإِرْهَبَهُ اَحِلٌ: مجھوں
 احلال بے معنی اجازہ دان است. جملہ «اَحِلٌ لَكُمْ لِيَلَةً الصِّيَامِ
 الرَّفِثَ إِلَى نِسَائِكُمْ»: آیہ شریفہ دلالت می کند بر اینکه قبل از
 نزول این آیہ حکم روزه این بوده که در شب روزه زناشویی هم
 حرام بوده با نازل شدن این آیہ حلیت آن تشریع و حرمتش نسخ
 شده است.^(۵)

۴- ممنوعیت مقاومت در حال اعتکاف
لَا تُثَاثِهُ هُنَّ وَ اتْهُ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ^(۴) وَاذْهَبْ
اعتکاف: علامه می فرماید: «عکوف در مکان به معنای اقامت در
آن است»، وازه «باشر»: از ریشه البشر، معنای بالاترین پوست. جمله «
فالان باشرون هن ما باشت» کنایه از جماعت و این امر برای تاریخی
است نه وجوب زیرا در مقام توهם حظر است و می توان از آن
استحباب استفاده نمود سفارش به اعتزال و عدم قرب به همسر در
مسجد و اعتکاف نیز وازه هایی مناسب برای خود داری از رابطه
جنسی در زمانهای خاص است.

طلاتة د، افغان، هه مه: ه آزاد کد، ه آزاد کد، ه اصطلاح ده
منانه گسترش قید ازدهاره ما افظ خاص است، د، حقه طلا
عناد است، از "احلال" از دهار دائم با شرایط و تشریفات خاص از
جانب مرد یا نماینده قانونی او. در جاهلیت چین بود که مرد حق
داشت همسرش را هزار بار طلاق بدده و رجوع کند و حدی برای
آن بود بعضی از تازه مسلمانان مطابق دوران جاهلیت، از آن سوء
استفاده کردند، و برای اینکه همسر خود را تحت فشار
قراردهند بی دربی او راطلاق داده و قبل اتمام شدن عده رجوع
می کردند، و به این وسیله زن را در تنگی شدیدی
قرار می دادند. آیه نازل شد و از این عمل رشت و ناجوانمردانه
جلوگیری کرد و طلاقها را قانونمند ساخت. «الطلاق مرتان
فأمّا كَمَعْرُوفٍ أَوْتَسْرِيْعُ يَا حَسَانٌ»(۴) وَاذْهَرَتْسِيْعٌ: علامه می
فرمایند: استعاره در رها شدن زن مظلقه استعمال شده، البته رها
شدنی که شوهر نتواند رجوع کند(۱۴) وَاذَهَرَتْسِيْعٌ: این و ازه
مقید به قید "معروف" و "تسريع" را مقید به "احسان" کرد، عنايت
لطيفی است چه بسا نگهداشتن همسر به منظور اذیت و آزار او
باشد که در اسلام نهی شده، همچنین رها کردن زن به منظور

خانواده بر دوش مردان نهاده شده است . «الرَّجُلُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (۴) مردان مسئول امور زندگی زنان، و مدیر در زندگی خانوادگی هستند. از دیدگاه قرآن مردان به دلیل برتی های که خداوند به مردان داده به سبب طاقتی که بر اعمال دشوار دارند، یا از نظر جسمی روحی قدرت بیشتری دارند؛ آنان را مسئول امور زنان بتوانند یکدیگر را کامل گردانند و بتوانند زندگی مشترک را اداره نمایند و در به کمال رسائیند یکدیگر تلاش نمایند. در ادامه آنچه مقدمه نداشته باشد، ماقبل اسلام و ماقبل معاصر اسلام را می‌نماییم.

اید سورة نساء، جمله «بناصن الله بعثهم» (۱۶) عالمه می فرماید: «قرآن مردان را به سبب برتری خدادادی بر زنان مسلط و یا سرپرست آنان می داند. زیادی که خداوند به مردان داده به سبب طاقتی که بر اعمال دشوار دارند، می باشد. مثلاً در حکومت و قضا مردان، فقه است هستند» (۷).

۸- نشسته های مهاردها

نشوند که اصطلاح دو، فقهه و حقیقته اسلام است. معناء این اصطلاح نب تکن، نکد، ناف ماز و عدم اتفاق، مسئله است همانند از طف هر یک ذهنی است. هنگام که ۰۰ ده ظال甫 خود و تکن کتاه نماید کند اه، انا شاه هنگام که مدد در وظایف خود و پرداخت نفعه کوتاهی نماید؛ او را ناشر می گویند.

۸-۲ نشوز همسر در عدم پرداخت مهریه: «وَ إِنْ امْرَأَةً حَافَتْ مِنْ بَعْلَهَا نُشُورًا أَوْ إِغْرِاضًا فَلَا جُنَاحٌ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا»^(۴) واژه «غُرَاضًا»: شوهر اعراض کند از زن قهر کند و یا او مکالمه و مراوده و معاشرت نکند. جمله «فَلَا جُنَاحٌ عَلَيْهِمَا أَنْ دَلَّتْ دَارَدْ که طلاق دهد مانع ندارد و باکی نیست که با هم تصالح کند و صلح به معنی گذشت پُصْلِحَا: کلمه لا جناح است از حق خود یعنی زن بگوید حق نفقة یا کسوه یا حق قسمت بین ازواج که دارد صرف نظر کند و شوهرهم راضی باشد باین (صلحا) یعنی هر نحو صلح باشد نسبت بجمع حقوق. «فَلَا جُنَاحٌ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صَلْحًا وَ الصُّلُحُ خَيْرٌ» جهت ترک نشوزاولا، زن از بخشی از مهریه خود بگذرد و از حق خود صرفه نظر کند . دوام مرد برای جلب رضایت زن و نشان دادن محبت خود به زن بخشی از مهریه او را به او بدهد یا هدیه ای برای زن بخرد تا زن به زندگی دلگرم شود. سوما، هر دو از بخشی از حقوق یکدیگر صرف نظر نمایند و برای حفظ زندگی زناشویی تلاش نمایند و هدف قرآن برقراری صلح و ت ک نشوز طرف: است.

معهوفه نسک و صفا و صمیمیت همراه باشد، جدایی نیز باید توأم با احسان گردد.

نتیجه گیری

ادبیات قرآن با به کار گیری بهترین کلمات استخدام بهترین واژه ها و ترکیبات را روابطی سالم و انسانی بین همسران برقرار نمود. و برای رهایی از شهوت غریزه جنسی راه حل ازدواج را پیشنهاد می کند، تا زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش برسند و عیوب یکدیگر را پوشانند. استعفاف را عاملی جهت حفظ اینمی زن و مرد می داند. و با پدید زناکاری به شدت برخورد می نماید و به مبارزه با زنا کاری (۴) او ناهنجاری جنسی می پردازد. قانون اسلام باورها و عادات ناپسند جاهلی در نوع نگاه به زن و زندگی خانواده، روابط همسران را ویران نمود، ارزشهای اخلاقی و فرهنگ اسلامی را جایگزین آن نمود. قرآن به نیاز جنسی پاسخ می گوید و ازدواج را بهترین راه حل برای این نیاز می داند. ادبیات قرآن محضنه بودن و مومنه بودن را ملاک ازدواج می داند. در زمان انتخاب همسر، در بین ملاکهای ازدواج؛ زیبایی زن، ثروت، ازدواج با خانواده اسم و رسم دار و... آیه فرهنگ زندگی خانوادگی می داند. و پاکدامن بودن و مومن بودن مهم است. و از دوست گیری پنهانی جلوگیری می نماید. مردان را به دلیل برتری هایی که خداوند از لحاظ جسمی به آنان داده، قوام دهنده زندگی خانوادگی می داند. و کسانی که امکان ازدواج با زنان آزاد ندارند با کنیزان ازدواج کنند. ادبیات قرن اجازه پیشنهاد خواستگاری از زنانی که در ایام عده هستند، را می دهد. حتی خانواده دختر می توانند اگر دامادی را مناسب ازدواج با دخترشان دیدند برای ازدواج پیش قدم شده به داماد پیشنهاد ازدواج با دخترشان بدنهند^۱ ضرورت پاکدامنی و عدم خیانت به همسر را عامل حفظ زندگی زناشویی می داند در اسلام بر وفاداری زوجین بر التزام و پایداری به پیمان زناشویی و رعایت وظایف عاطفی و جنسی تأکید شده است. هریک از زوجین در مقابل یکدیگر حقوق و وظایفی دارند. در صورت نشوز زن مرحله اول «فِمَطُولُهُنْ» واعظ می تواند شوهر، خانواده و همسر و اطرافیان زن باشد. یا قاضی باشد. مرحله دوم «اَهْجُرُوهُنْ فِي الْمَضَاجُوْنِ» شوهر برای تنبه زن با او هم خوابگی نکند. مرحله سوم «اَضْرِبُوهُنْ» زدن زن که از طریق قاضی انجام می گردد و حکم صادر می نماید. مرد به عنوان قوام دهنده زندگی خانوادگی مردان می خواهد که خود و خانواده شان را از عذاب الهی حفظ کنند. هدف اسلام بر پایه نظام اسلامی و تعالی خانواده و همسران است.

اعمال غصب و داغ دل گرفتن باشد که این نیز نهی شده است. ملامحسن فیض کاشانی معروف را حسن معاشرت می دارد، فَمُسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَيْ بِالْمَرْاجِعَةِ وَ حَسْنُ الْمَعَاشَةِ.^(۱۵) همچنین نظر جناب آقای شیر نیز همین است.^(۱۶) فاسخه احکام اسلام بسیار عمیق است و تمامی احکام اسلام منطبق بر فطرت زن و شهر است. حکم حق طلاق برای مردان، از طبیعت و فطرت زن و شهروز نشات می گیرد و بر اساس فطرت و درونیات و روحیات زن است و مرد تعیین شده است. بر اساس کشش طبیعی، مرد طالب زن است و زن مطلوب مرد، و زن حق انتخاب دارد که او را برگزیند. زن نیز بر اساس فطرت و طبیعت خود و ابراز علاقه و درخواست مرد، یا او را به عنوان زوج خود بر می گزیند و یا رد می کند. وقتی انتخاب و پیمان به این صورت و بر حسب فطرت و طبیعت هر دو انجام می گیرد، مسلم است تا زمانی که مرد طالب زن باشد و زن مطلوب او، این کشش و جاذبه در مرد وجود و زن نیز که بر اساس ابراز علاقه و درخواست مرد این پیمان را پذیرفته است، بر پیمان خود باقی خواهد ماند. اما زمانی که به هر دلیلی، این طلب و خواست در مرد خاموش شود و زن دیگر مطلوب مرد نباشد، اصل و اساس شکل گیری این رابطه و پیوند متزلزل شده است، در اینجا اسلام در ابتدا دعوت به اصلاح و رفع مشکل می کند اما زمانی که یقین حاصل شود که این میل و طلب در مرد از بین رفته است و زن دیگر مطلوب مرد نیست، اسلام حکم طلاق را ارائه می کند و چون مرد بر اساس ساز و کار طبیعت و فطرت، نقشی محوری و اساس را در شروع این زندگی و پیمان ان دارد لذا، حق گستین این پیمان به مرد داده شده است. تا زمانی که طلب و خواست در مرد وجود دارد، زندگی دارای حیات است و زمانی که این طلب در مرد از بین برود، زن نیز خود به خود از زندگی سرد می شود، چرا که در ابتداء، علاقه زن و قصد زناشویی او، بر اساس خواست و طلب مرد و ابراز علاقه ای او، شکل گرفته است. اما زمانی که زن از زندگی سرد شود و مرد هنوز طالب زن باشد، همانند زمان شروع زندگی است، در این شرایط، امکان سامان گرفتن زندگی وجود دارد. اسلام به سبب نقش مرد در شکل گیری پیمان ازدواج، حق طلاق را به مرد می دهد. مرد پس از این که زن درخواست او را برای پیوند زناشویی قبول کرد، بخشی از مال خود را به عنوان هدیه و پیکش، به نام مهریه به زن می دهد. یعنی مرد بخشی از مال خود را به نشانه ابراز علاقه و میزان تمایل او به زندگی زناشویی، با میل و رضای خود، به زن تقدیم می کند و از زن انتظار دارد که همسر و همراه او باشد. اگر ازدواج دائم باشد مرد انتظار دارد که او تا آخر عمر همسر او باشد و اگر ازدواج موقت باشد، انتظار دارد که تا پایان مدت مقرر شده همسر او باشد.^۲ پس از طلاق و جدایی مرد تا پایان عده، باید نفقة از ۱۰۰ ده دارد که از این نتیجه مدد از نظر مال هسته دارد. در آن که به طلاقه ما تعابه همچو: معهوف، احسان، عده اض ا، تاس ا، خدا ه امید به آینده، به م دا، سفاه، کد د است که س از طلاقه ز، سا به قصد زندگ هدایت ماده ای، آمش به اه، آه، کنده با اه اه شده اه، سندیده ت ک گند، بعده، حجه به همس ناید به قصد آسیب، سانده، به اه باشد. «إِلْطَّالَةُ مَتَّا، فَمُسَاكُ بِمَعْهُوفٍ أَهْ تَسْ نَهْ نَاحْسَا، هَ لَ تَحَا لَكْدَهْ أَهْ تَأْخُذُهَا مَمَّا آتَتْهُهُ، شَهْ...»^(۴) امساک به معهوف بود. معنی است که شهه ده ده صهه ت، حجه به اه بعد از طلاقه اه، اه نسک نگاه داده به طه، صحیه ه سندیده ما اه، افتاد، کند، نه اه که منظه، اه از حجه، ض، زد، به ز، باشد. هه تس به به احسان، بعده حداشد: ته آه با احسان، ه نسک، بند، معن. که شهه ده صهه ات انتخاب حدار، حقه، ز، اه طه، کاما ب داده، بعد از حدار، ض، ه نیاز. به اه نسانده، شست س اه سختا، نامناسب نگه ده، مده، اه به دیده، نسانده امکا، ازده اه محدد، اه اه نگیرد. پس همان گونه که نگاهداری زن و آشتی کردن باید با

References

1. Hatta f,History of The Arabs.Translation .Pavandh. 1287
2. al-Tusi Nasir, al-Din. Ammally, Tradition 2094.
3. exposition moallakat sabba, Today Al-Qais ,Verse32:31 . zohhir abn aby solmma,Verse 30, 113, Abu Aqeel Labid ,Verse 81:161
4. Araf:89,Maeda :5, Nisa:25, Noor:32 , N isa :57, Sad:52 ,Baqara :235, Qasas: 27 . Mumenoon:5-7. Noor:58-59. Baqara :187, Baqara :228. Baqara:231, Baqara :228 .Ahzab :35. Nisa:34 Nisa:32. Nisa:128, Baqara :197, Baqara :222 ,Baqara :229 Noor:33, Nisa: 15. Ankaboot :29 .
5. Kind statement .Mr. Abdul Hussain , Kindly explain the interpretation of the Quran in formations Islam ,Tehran 1378 ,6:53
6. Victorious Alireza , Mustafa Jamali , Determining the pattern and classification of topics in the country's cultural engineering :85, Fajr Cultural Institute of the province
7. Tabatabi ,1417, 15:103,4:445, 2:244,2:320,16:31,4:334,2:206 ,
8. Sample Interpretation ,19:49, 3:371.
9. Classes of Ibn Sa,d ,1:131.
10. Vocabulary Ragheb :472M , 684.
11. An investion in to the words of the of Quran karim, Mustafa:161, Scientific Books House 14
12. Dr.Davani, a ,The relationship between obedience and bribery and the executive guarantee of disobedience .
13. pourmola ,s m .jalali ,h.Investigating the jurisprudence of corporal punishment of the wife.
14. Interpretation of a detector ,1:605 .
15. Net explantion :1, 258.sader , Tehran 1415.